



افطاری ساده/ حرکت‌های اجتماعی به‌وجودآورنده تغییر در سبک زندگی

افطاری ساده و همگانی در سطح شهر، یکی از مسائلی است که هم جلوه اسلامی بودن یک «شهر اسلامی» را پررنگ می‌کند و هم به‌مرور موجب تغییر در سبک زندگی فردی و اجتماعی مردم می‌شود.

افطاری ساده و همگانی در سطح شهر، یکی از مسائلی است که هم جلوه اسلامی بودن یک «شهر اسلامی» را پررنگ می‌کند و هم به‌مرور موجب تغییر در سبک زندگی فردی و اجتماعی مردم می‌شود. به گزارش خبرگزاری مهر، برپایی افطاری‌های ساده از جمله دغدغه‌های رهبر انقلاب بوده است؛ متن پیش رو به قلم محمد پورغلامی به تأثیرات اجتماعی فرهنگ افطاری ساده می‌پردازد. تصور کنید وارد شهر جدیدی شده‌اید، چه نمادها و نشانه‌ها یا موضوعاتی در ابتدا توجه شما را به خود جلب می‌کند؟ معماری شهر؟ سازه‌ها و ساختمان‌ها؟ بزرگراه‌ها و خیابان‌ها؟ یا...؟ حالا تصور کنید که وارد شهری شده‌اید که از قبل شنیده‌اید آن شهر جزو شهرهای مذهبی محسوب می‌شود، مثلاً جزو یکی از شهرهای اسلامی است، حال برای اینکه پی به اثبات گزاره فوق ببرید، به چه چیزهایی توجه می‌کنید؟ از نظر شما «شهر اسلامی» دارای چه ویژگی‌هایی است؟ آیا شهری است که صرفاً «معماری» آن اسلامی است؟ آیا شهری است که فی‌المثل در آن گنبد و مناره و اماکن مذهبی زیاد وجود داشته باشد؟ آیا به صرف وجود این موارد می‌توان گفت که این شهر، اسلامی است؟

ارکان اصلی شهرها

در جواب این سؤالات باید گفت که اگرچه معماری یا «کالبد شهر»، یکی از ارکان اصلی در شناخت تفاوت بین شهر اسلامی با سایر شهرها است، اما همه تفاوت در این رکن نیست. در حقیقت معماری شهر، «شرط لازم» برای تحقق شهر اسلامی است نه «شرط کافی». در کنار معماری، شهرها دارای دو رکن مهم دیگر هم هستند: اول، انسان‌ها به‌مثابه مهم‌ترین بازیگران این اجتماع، و دوم روابط و ارتباطات فی‌مابین این بازیگران. بنابراین هر شهری از دو جزء سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تشکیل شده است، معماری شهر بعد سخت‌افزاری آن را تشکیل می‌دهد و روابط اجتماعی انسان‌ها بعد نرم‌افزاری آن را. اتفاقاً بعد نرم‌افزاری شهر نیز مهم‌تر از بعد سخت‌افزاری آن است. به سخن دیگر، اگر بپذیریم که «هر شهری را اهالی آن شهر می‌سازند»، پس شهر اسلامی یعنی شهری که اولاً مردمانش مسلمان‌اند و ثانیاً روابط اجتماعی بین آن‌ها نیز مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است.

حال، برای ساخت روابط اجتماعی اسلام‌محور، باید در ابتدا «سبک زندگی» یا به تعبیر رهبر انقلاب «شیوه زیستن» مردم را اصلاح کرد. ماه مبارک رمضان یکی از آن ایام خاص سال است که می‌تواند موجب اصلاح سبک زندگی مردم در دو ساحت «فردی» و «اجتماعی» شود.

از نظر فردی، ماه رمضان صرفاً بهانه‌ای است برای آنکه فرد بتواند از سبک زندگی عادی و مرسوم خود مقداری دور شود و خود را هر چه بیشتر به سبک زندگی خدایی نزدیک سازد؛ سبک زندگی‌ای که در آن قرار است از «دل‌بستگی» ها و «وابستگی» های متداول دنیایی خود، دل بکند. کمااینکه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه نیز می‌فرمایند اگر با تمام شدن ماه رمضان، تغییری در فرد به وجود نیامد، بداند آن‌گونه که باید، روزه نگرفته است:

«شما اقلاً به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان‌طوری که شکم خود را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی باز دارید! از هم‌اکنون بنا بگذارید که زبان را از غیبت، تهمت، بدگویی و دروغ نگه داشته، کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید... اگر با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ گونه تغییری پدید نیامد و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد، معلوم می‌شود روزه‌ای که از شما خواسته‌اند، محقق نشده است.»^۱ از نقطه‌نظر اجتماعی نیز واضح است که تغییر رفتار و سبک زندگی افراد، بازتاب و نمود عینی در جامعه خواهد داشت و حال که سبک زندگی شخصی افراد در ماه رمضان تغییر پیدا کرده، در جامعه نیز شاهد تغییراتی خواهیم بود. به همین علت است که بنا بر آمار و پژوهش‌های انجام‌شده توسط آسیب‌شناسان اجتماعی، می‌توان گفت که آمار جرم و بزهکاری در جامعه، به میزان قابل توجهی در ماه رمضان کاهش می‌یابد.

حرکت‌های اجتماعی، به‌وجودآورنده تغییر در سبک زندگی

اگرچه رابطه بین فرد و اجتماع، رابطه‌ای «دیالکتیک» و متقابل است که از هم متأثر هستند اما گاهی اوقات «حرکت‌های اجتماعی» می‌توانند هم تأثیرات اجتماعی به دنبال داشته باشد و هم به تبع آن تأثیرات فردی. به‌عنوان نمونه، یکی از دغدغه‌هایی که رهبر انقلاب در طول این سال‌ها در ماه مبارک رمضان دنبال کرده‌اند، ترویج «افطاری ساده» و عمومی بوده است.

افطاری ساده و همگانی در سطح شهر، اگرچه در ظاهر، موضوعی ساده به نظر می‌رسد اما یکی از مسائلی است که هم جلوه اسلامی بودن یک «شهر اسلامی» را پررنگ می‌کند و هم به‌مرور موجب تغییر در سبک زندگی فردی و اجتماعی مردم می‌شود.

اولین بار که رهبر انقلاب به موضوع افطاری ساده اشاره کردند، ۲۴ سال پیش بود. آن ایام ایشان [در دیدار مسئولان کمیته امداد امام خمینی](#) رحمه الله علیه چنین گفتند:

«الان در بعضی از کشورهای اسلامی سنت خوبی وجود دارد که در تمام ماه رمضان، اغلب مساجد افطاری می‌دهند؛ یعنی هرکس برود و وارد مسجد بشود، پذیرایی می‌شود. البته خانواده‌ها محروم می‌مانند؛ فقط مردان افطاری می‌خورند و برمی‌گردند! اگر بشود در این‌جا هم همین سنت در خصوص افراد تحت پوشش شما رواج پیدا کند - البته با حضور تمام افراد خانواده - خوب است. در زمان رژیم گذشته، این ارتباطات معنوی، کم و یا منجمد شده بود؛ که البته متأسفانه بقایایش همچنان باقی است. ما بایستی در دوران اسلامی، این ارتباطات را زنده کنیم.»

بعدهتر، [در سال‌های ۸۶ در خطبه‌های نماز عید سعید فطر](#)، و [سال ۸۷ در خطبه‌های نماز جمعه](#) نیز ایشان به این موضوع اشاره کردند اما هنوز آنچنان که باید این مسئله فراگیر نشده بود. [سال ۹۲ اما در خطبه‌های نماز عید فطر](#)، بار دیگر رهبر انقلاب به موضوع افطاری ساده اشاره کرده و گفتند: «یک سنت خوب هم امسال بیش از سال‌های دیگر دیده شد، که خوب است مورد توجه قرار بگیرد و آن، افطاری دادن‌های ساده و بی‌پیرایه در مساجد و در خیابان‌ها بود در بیشتر شهرهای کشور - که بسیار کار شایسته‌ای است - در مقابل افطاری‌های مسرفانه‌ای که شنیده شد، دانسته شد که بعضی‌ها به بهانه افطار، حرکات و عمل مسرفانه انجام می‌دهند و به جای اینکه در ماه رمضان وسیله‌ای بشوند برای نزدیکی روحی به فقرا و مستمندان، با این عمل، با این حرکت، خود را در لذات جسمانی غرق می‌کنند.

نمی‌خواهیم بگوئیم که اگر در افطار، کسی غذای مطبوعی مصرف کرد، این کار ممنوع است؛ نه، در شرع اینها ممنوع نیست؛ اسراف ممنوع است، زیاده‌روی ممنوع است، ریخت‌وپاش فراوانی که گاهی در این‌جور مجالس انجام می‌گیرد، ممنوع است. چه بهتر که کسانی که می‌خواهند افطاری بدهند، با همین سنتی که رائج شده است، افطاری بدهند؛ که مردم را، رهگذران را و کسانی را که مایلند از افطاری استفاده کنند، در این سفره‌های رایگان و با بذل و بخشش و گشاده‌دستی، در کوچه‌ها، در خیابان‌ها، در حسینی‌ها، افطاری می‌دهند.»

آغاز موج اجتماعی «افطاری ساده»

بررسی تأکیدات رهبر انقلاب بر موضوع افطاری ساده نشان می‌دهد که در حقیقت ایشان به دنبال بسط فرهنگ افطاری ساده و فرهنگ‌سازی در این مقوله‌اند. چراکه از طرفی افطاری ساده، در نقطه مقابل «افطاری مسرفانه» قرار دارد که ناشی از سبک زندگی مصرف‌گرای افراد است، و از طرفی دیگر باعث فراگیری فرهنگ «انفاق»، یعنی انتقال توجه از «خود» به «دیگران» و در نتیجه تغییر فضای شهری می‌شود.

از همین روی، پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR در سال ۹۳، اقدام به فراخوان ارسال عکس از برگزاری مراسم افطاری ساده در سطح شهرها کرد. چند روز بعد از این فراخوان، موج اجتماعی گسترده‌ای در فضای مجازی و واقعی راه افتاد و تنها بیش از [۱۰۰۰ عکس](#) به سایت KHAMENEI.IR ارسال شد.

البته بیش از این تعداد نیز عکس‌های مختلفی از مکان‌های توزیع افطاری ساده در سراسر کشور در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و چند برنامه و گزارش رسانه‌ای ملی نیز به این موضوع اختصاص پیدا کرد. دامنه‌ی افطاری ساده البته فراتر از شهر تهران و سایر شهرهای کشور رفت و حتی در برخی از روستاهای کشور عزیزمان نیز این سنت حسنه انجام شد.

شاید مجموع این اقدامات بود که موجب شد تا رهبر انقلاب [در خطبه‌های نماز عید سعید فطر سال گذشته \(۱۳۹۳\)](#)، از فراگیری بیشتر این موضوع احساس رضایت کرده و چنین اشاره کنند که: «آنچه انسان در این ماه رمضان، در میان این اعمال شخصی و عمومی و مردمی و اجتماعی مشاهده می‌کرد، اطعام مردم به صورت عمومی و به صورت افطاری ساده و همگانی در بین مردم ما بود که بحمدالله رایج شده است. سال گذشته از مردم عزیزمان خواهش شد که تشریفات افطار را کم کنند، کمیت ضیافت‌شوندگان در افطار را افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدس، در خیابان‌ها، در

حسینی‌ها، در جای جای کشور، خبرهایی که به ما رسید، نشان‌دهنده‌ی این بود که مردم همت کرده‌اند و این کار را توسعه داده‌اند. توصیه‌ی این حقیر این است که این‌جور چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تأثیر می‌گذارد - هرچه بیشتر توسعه بدهید.»

باری، افطاری ساده اگرچه ساده است و ساده برگزار می‌شود اما دارای تأثیرات شگرف فردی و اجتماعی است که کمترین آن ایجاد روحیه‌ی گذشت و ایثار و توجه به دیگران، و به مرور ساخت شهری بر مبنای شاخص‌های یک شهر اسلامی است. شهری که در آن، روابط اجتماعی افراد بیش از هر چیز دیگری بر مبنای «دین» و آموزه‌های دینی است.

پی‌نوشت:

۱. امام خمینی (۱۳۷۸) جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۳۶